

نقد و بررسی کتاب

مطالعه سیاست جهان، مجلد اول: چالش‌های نظری و روش‌شناختی

James N. Rosenau, The Study of World Politics, Volume 1, Theoretical and Methodological Challenges (London: Routledge, 2006).

امین روان‌بُد*

جیمز روزنا از جمله اندیشمندان روابط بین‌الملل است که به سختی می‌توان جایگاه او را در مناظرات روابط بین‌الملل مشخص ساخت. روزنا از جمله متفکرانی است که اندیشه‌های التقاطی را برای مطالعه روابط بین‌الملل و سیاست جهان برگزیده است و به بیان آل و یور^۱، روزنا از منظر حیات فکری در روابط بین‌الملل در زمره «توده بی‌نام» قرار می‌گیرد که وجه مشخصه آنها اتخاذ مواضع فکری ترکیبی است. با چنین نگاهی به آرا و نظرات جیمز روزنا می‌توان انتظار داشت که خواننده با بررسی کتاب «مطالعه سیاست جهان» به چارچوبی اصیل و پیوسته برای درک و تبیین امور جهانی دست نیابد. با این حال، کتاب «مطالعه سیاست جهان» که مجموعه‌ای دو جلدی است، به خوبی تداوم و تغییر را در سیاست جهان نشان می‌دهد. رابرت کوهین و جوزف نای در سال ۱۹۷۱ پارادایمی سست تحت عنوان «سیاست جهان»^۲ ارائه کردند که مطابق آن، شرکتهای چندملیتی، نهضت‌های اجتماعی فراملی و سازمانهای بین‌المللی، جهانی بدون مرز و فواتر از دولت سرزمینی را ایجاد

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد.

1. Ole Waever

2. World Politics

کرده‌اند. بنابراین از عنوان کتاب جیمز روزنا نیز چنین مستفاد می‌شود که خواننده با دوری از مباحث دولت محوری و پررنگ‌تر شدن نقش بازیگر غیردولتی روبرو خواهد شد.

این کتاب منتخبی از مقالات و نوشته‌های جیمز روزنا به انتخاب خود اوست که هم آثار چاپ شده و هم آثار چاپ نشده را دربرمی‌گیرد. جلد نخست کتاب حول مباحث نظری و روشی متمرکز شده است و وجود مقاله «پیش نظریه‌ها و نظریه‌های سیاست خارجی» در این مجلد از نقاط قوت آن است.

کتاب به لحاظ سازماندهی از پنج بخش تشکیل شده است که سیر تحول و تکامل اندیشه جیمز روزنا را نشان می‌دهد. این کتاب به بیان هنری به مثابه حدیث نفس روزناست که گلایه‌ها و شکوه‌های او از سیر مطالعه سیاست جهان را نیز نشان می‌دهد. جیمز روزنا در فصل اول کتاب که به واقع مقدمه اثر نیز هست، معیارهای گزینش مقالات و نوشتارها را توضیح داده است.

نویسنده در بخش اول به چالش‌هایی اشاره می‌کند که فراروی محقق روابط بین‌الملل است. فصل دوم کتاب به ظهور برهه‌های اشاره کرده است که تعامل بین فناوریهای جدید و بهره‌گیری از آنها توسط افراد، کانون آن را تشکیل می‌دهد. آینده سیاست در بافت همین برهه جدید رقم خواهد خورد. این برهه جدید دربرگیرنده ویژگیهای ساختاری تحول‌یافته‌ای است که از این میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: جهانی شدن اقتصادهای ملی، ضعیف شدن دولتها، فرسایش حاکمیت، تمرکززدایی از حکومتها و نفوذ فزاینده سازمانهای غیردولتی.

روزنا در فصل سوم به «چشم‌انداز پس‌این‌المللی»^۱ به عنوان پارادایم جدید روابط بین‌الملل اشاره می‌کند. او در کتابهای متعدد خود نظیر «جهان آشوب‌زده» و «تفکر برمبنای نظریه» به این نگرش اشاره کرده است اما ضعف تبیینی و عدم اصالت (التقاطی بودن) این نگرش مانع از حضور آن در مناظرات محتوایی روابط بین‌الملل شده است. انقلاب در مهارتها، انفجار سازمانی و تلاشی اقتدار از جمله مفاهیم تبیین این چشم‌انداز نظری است.

روزنا به حضور عمده متخصصان علوم سیاسی در مطالعه روابط بین‌الملل اشاره کرده و بر نیاز به استفاده از آرای جامعه‌شناسان در مطالعه سیاست جهان اصرار کرده است (فصل چهارم). در فصل پنجم کتاب به موانع عمده بر سر راه درک رویدادهای آینده اشاره شده است. این موانع

1. Post-International Perspective

در قالب سندروم، رهیافت و مکاتب ذیل مطرح شده است: ۱) سندروم دولت محوری؛ ۲) رهیافت اذعان به ظهور پویش‌های جدید و در عین حال نفی همین پویش‌های جدید با استناد به روندهای متضاد آن؛ ۳) اعتقاد به عدم توانایی برقراری ارتباط علی و دیالکتیکی بین تناقضات منبعث از منابع مستقل؛ ۴) اعتقاد به اینکه هنوز نمی‌توان در مورد نظم جهانی فرارو نتیجه‌گیری کرد و ۵) رهیافت روش‌شناسی ناکامل - نیاز به روش‌های مناسب برای مطالعه سیاست جهان. نویسنده در انتهای بخش اول به مفاهیم وا - همگرایی، تغییر و پویش‌های سطوح خرد و کلان اشاره می‌کند که به واقع دیگر چالش‌های فراروی محقق برای مطالعه سیاست جهان است. واهمگرایی از جمله واژه‌هایی است که روزنا ابداع کرده است و بیانگر دو روند متضاد و همزمان جهانی‌سازی و محلی‌سازی است.

بخش دوم کتاب به پرورش متخصص علوم سیاسی و معضلات فراروی او در سیر تحول آکادمیک اختصاص یافته و مشتمل بر سه فصل است. روزنا در فصل هفتم به تأثیرات روان‌شناختی اخذ مدرک دکترا بر دانشجوی یا متخصص علوم سیاسی می‌پردازد و در فصل هشتم استدلال می‌کند که «راههای متعددی» برای رسیدن به دانش روابط بین‌الملل موجود است. او استفاده از ابزارهای ریاضی را به مثابه نوش‌دارو نمی‌داند اما با اذعان به محدودیتهای این ابزار، بهره‌گیری از ریاضی به اقتضای شرایط را نفی نمی‌کند. فصل نهم به گفتگوی روزنا و ارسل آیدین‌لی^۱ اختصاص یافته و موضوع چگونگی ورود به عرصه دانش روابط بین‌الملل و موفقیت در آن را دنبال می‌کند.

بخش سوم کتاب به موضوع «روش» اختصاص یافته است. روزنا در فصل دهم کتاب بر اهمیت مقایسه تأکید دارد و آن را «وضعیتی ذهنی» می‌داند. او با تأکید بر اهمیت مطالعات تطبیقی به پروژه سیاست خارجی تطبیقی اشاره می‌کند که در سال ۱۹۶۷ آغاز شده بود. رابطه اقتصاد سیاسی بین‌الملل و سیاست خارجی تطبیقی و فقدان تعامل بین این دو در فصل یازدهم کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده ضمن شگفت‌آور خواندن این وضعیت، استدلال می‌کند که تأکید بر تعامل سیاست و اقتصاد در هر موقعیتی، محقق را به درک بهتر رویدادها رهنمون می‌سازد.

1. Ersel Aydinli

بخش چهارم کتاب به بررسی مفاهیم و نظریه‌ها اختصاص یافته است. نویسنده در فصل دوازدهم ضمن تأکید بر اهمیت نظریه برای درک سیاست جهان، معتقد است که پس از پایان جنگ سرد، نوعی پیچیدگی جهانی پدید آمده است که تبیین آن نیازمند توجه به موارد ذیل است: ۱) درک نقش دولت در امور جهانی؛ ۲) درک تغییر در بافت تاریخی؛ ۳) چالش ساختار-کارگزار و ۴) تبیین واهمگرایی.

نیاز به بهره‌گیری از نظریه پیچیدگی برای درک امور جهانی در فصل سیزدهم مورد بررسی قرار گرفته است: برای درک شرایط مملو از عدم قطعیت باید به فرایندهای خودسازمان‌بخشی، انطباق، حساسیت به شرایط اولیه و قدرت رویدادهای کوچک توجه داشت.

روزنا در فصل چهاردهم به مباحث مناظراتی روابط بین‌الملل توجه می‌کند و در عین حال معتقد است که معضلات روش‌شناختی یا معرفت‌شناختی منبع مشکلات در رشته روابط بین‌الملل نیستند و سپس در فصل پانزدهم به ماهیت متغیر هویت در فرایند جهانی شدن توجه می‌کند. در این بافت بر فرسایش معنا و اهمیت فضای جغرافیایی تأکید می‌شود.

نویسنده در فصل شانزدهم به مباحث وابستگی متقابل مدنظر کوهین و نای نزدیک می‌شود و بر کاهش اهمیت تواناییهای نظامی تأکید می‌کند. این فصل بیانگر ماهیت التقاطی تفکر روزناست که مفاهیمی را از نظریه وابستگی متقابل وام گرفته است.

در دو فصل پایانی بخش سوم کتاب به مباحث انقلاب مهارتی و شکاف نسلی پرداخته شده است. طبق استدلال نویسنده، فرد در فضای جهانی شده و با استفاده از فناوری اطلاعات امکان پرورش مهارتهای خود را پیدا کرده است و در عین حال، رشد فزاینده بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در قالب اینترنت، شکاف نسلی قابل توجهی را پدید آورده است.

بخش پنجم کتاب را می‌توان دربرگیرنده نظریات اصیل جیمز روزنا دانست که مقاله «پیش‌نظریه‌ها و نظریه‌های سیاست خارجی» شاه بیت آن به شمار می‌رود. روزنا پیش‌نظریه سیاست خارجی را حول محور پنج متغیر در سطوح تحلیل فردی، نقشی، حکومتی، اجتماعی و سیستمی مطرح کرده است. مبانی فلسفی پیچیده این پیش‌نظریه و نیاز به آن در فصل نوزدهم کتاب مطرح شده است.

روزنا چهل سال پس از مقاله «پیش‌نظریه» همچنان بر اهمیت متغیرهای این مبحث در فضای جهانی سازی تأکید کرده است و این تأکید در فصل بیستم کتاب آورده شده است. روزنا در

تبیین پویش‌های جهانی‌سازی همچنان بر مفاهیم انقلاب مهارت و انفجار سازمانی تأکید می‌کند و در عین حال، کارایی متغیرهای پنج‌گانه را در بافت این پویش‌ها نشان می‌دهد.

نویسنده دو مطالعه موردی تبیین سیاست خارجی چین (فصل بیست و یکم) و اتحاد شوروی (فصل بیست و دوم) را ارائه کرده است که نمونه‌هایی عالی از به‌کارگیری مباحث نظری برای تبیین سیاست خارجی کشورهاست. روزنا در فصل بیست و یکم از نظریات واقع‌گرایی، نواقع‌گرایی، تکثرگرایی برای مطالعه سیاست خارجی چین بهره گرفته و یافته‌های نظری مبتنی بر نظریات فوق را مقایسه کرده است.

از سوی دیگر، نویسنده کتاب تلاشی جاه‌طلبانه را در فصل بیست و دوم برای «نظریه سیاست خارجی تک‌کشوری» مطرح کرده است. اقدام روزنا شاید تلاشی برای پر کردن خلأیی است که پارادایم نواقع‌گرایی بر جای گذاشته است. کنث والتز^۱ اشاره می‌کند که نظریه سیاست بین‌الملل مدنظر او به سیاست خارجی نمی‌پردازد. از سوی دیگر، قاطبه منتقدان معتقدند که پارادایم مسلط نواقع‌گرایی و ویژگی‌های واحدها را حذف کرده است. بدین ترتیب، روزنا با مطرح کردن «سیاست خارجی تک‌کشوری» هم به سیاست خارجی توجه کرده است و هم ویژگی‌های واحدها را مدنظر قرار داده است.

مفهوم بسیار اساسی «منفعت ملی» موضوع فصل آخر کتاب است. تاریخچه و محدودیتهای مفهوم منفعت ملی مورد بررسی قرار گرفته و این مضمون دنبال شده است که اگرچه اهمیت ملت به عنوان یک واحد سیاسی در حال کاهش است اما بازیگران سیاسی همچنان در تصمیم‌گیری‌های خود در مورد اهداف سیاست خارجی و بسیج حمایتها از این اهداف، از مفهوم «منفعت ملی» بهره خواهند جست.

به نظر می‌رسد که روزنا دچار نوعی شیفتگی و شیدایی نسبت به تحولات ناشی از جهانی‌سازی و تأثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات شده است. این شیفتگی باعث شده است تا تفکرات او مبنای واقع‌گرایانه خود را از دست بدهد و جهت‌گیری غایت‌شناسانه پیدا کند. اگرچه متغیرهای چشم‌انداز پس‌ابین‌المللی به لحاظ جامعه‌شناختی می‌تواند تحولات جوامع را به خوبی نشان دهد اما در بافت روابط بین‌الملل، این چشم‌انداز از قدرت تبیینی چندانی

1. Kenneth Waltz

برخوردار نیست و بنابراین پارادایمی با قدرت تبیینی بالا در اختیار محقق روابط بین‌الملل قرار نمی‌دهد.

در نگاه کلی می‌توان مضامین ذیل را بر کتاب حاکم دانست: چشم‌انداز پس‌این‌المللی، اخذ تخصص در رشته روابط بین‌الملل و موفقیت در آن و نظریه سیاست خارجی. در این بین، بخش مربوط به نظریه سیاست خارجی را می‌توان قسمت اصیل و جاه‌طلبانه این کتاب دانست. در همین حال، به نظر می‌رسد که پیوند سه مضمون فوق از انسجام کتاب کاسته است اما این عدم انسجام را نمی‌توان نقطه ضعفی جدی برای این کتاب دانست؛ چراکه این اثر ماهیت آثار «گلچین و گزیده»^۱ را دارد. با عنایت به محتوای این کتاب، محققان مباحث نظریه روابط بین‌الملل بیشترین بهره را از این کتاب خواهند برد. از سوی دیگر، بخش میانی کتاب که بر پرورش و موفقیت متخصص روابط بین‌الملل تمرکز دارد، از جذابیت خاصی برای اساتید و دانشجویان روابط بین‌الملل برخوردار است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی